

طرح تونی بلر نژاد پرست برای کلنگی کردن ایران

طرح مسأله: نظریه های رقیبی برای آینده ی منطقه خاورمیانه وجود دارد. یک نظر معتقد به دموکراتیزه کردن کل منطقه است. این طرح به زیان دولت های استبدادی منطقه و خصوصاً دولت اسرائیل است. طرح دوم، طرح کلنگی کردن کل منطقه به سود دولت اسرائیل است [1]. طرح دوم نه تنها کشورها را به صورت افغانستان، عراق، لیبی و سوریه در می آورد، بلکه شکاف اصلی منطقه- یعنی شکاف دیکتاتوری و دموکراسی- را به نزاع های شیعه/ سنی، سکولار/اسلام گرا و نزاع های قومی (عرب/عجم، کرد/ترک/فارس) تبدیل می سازد. مدعای کلنگی کردن منطقه به سه صورت قابل طرح است. الف- طرحی پیشینی برای کلنگی کردن منطقه. ب- کلنگی شدن منطقه به عنوان پیامد ناخواسته ی اعمال دولت ها و مردم. پ- ترکیبی از مدعای الف و ب.

شواهد و قرائن این مدعا کدامند؟

تونی بلر: روحی در اختیار شیطان

تونی بلر- متولد 1953- رهبر سابق حزب کارگر، از 1997 تا 2007 نخست وزیر بریتانیا و متحد تمام عیار جرج بوش بود. او نه تنها در جنگ افغانستان شریک بوش بود، بلکه با مشارکت کامل در دروغ سازی ها و فریب مردم، تجاوز نظامی به عراق را آغاز کرد که موجب کشته و زخمی و آواره شدن میلیون ها تن شد. جان اسکارلت- رئیس پیشین سرویس مخفی بریتانیا- در 9 دسامبر 2009 به مجلس عوام کشورش گفت: بلر این دروغ که "گزارش سرویس مخفی ما وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق را بدون تردید ثابت می کند" و این که عراق می تواند ۴۵ دقیقه پس از صدور فرمان صدام حسین کلاهک های حاوی سلاح های کشتار جمعی را شلیک کند، خود ساخت و به گزارش سرویس مخفی بریتانیا افزود [2]. با این اوصاف، بلر یکی از طراحان و مجریان کلنگی کردن منطقه بود که از افغانستان آغاز شد و با عراق و لیبی و سوریه ادامه یافت.

او ادعا می کند که یک مسیحی بسیار معتقد است. مدعی است که قبل از تجاوز نظامی به عراق با خدا مشورت کرده است [3]. همچنان از پروژه ی کلنگی کردن منطقه دفاع کرده و می کند. در سال 2010 گفته بود که اگر لازم باشد باید به ایران حمله کرد [4]. در دهمین سالگرد تجاوز به عراق گفت که اینک نوبت حمله ی به سوریه و سپس به ایران است. سخنان تونی بلر درباره ی آینده ی منطقه بسیار مهم است، برای این که او نماینده ی گروه چهار جانبه ی آمریکا، روسیه، اروپا و سازمان ملل در طرح صلح منطقه است. به نوشته وبسایت معتبر نشنال اینترست، گفته می شود: "۱۰ سال بعد از جنگ عراق، تونی بلر هنوز پودل، یا سگ پشمالوی کوچک، بوش است" [5]. این عنوان آنقدر شایع شد که بلر مجبور گردید بگوید که "پودل بوش" نبوده است [6].

تونی بلر یکی از مهمترین رهبران کلنگی کننده ی منطقه بود. او اینک که سوریه کلنگی شده، نه تنها فرمان حمله ی نظامی به آن کشور را صادر می کند [7]، بلکه می گوید، پس از سوریه نوبت ایران است و این جنگ یک نسل طول خواهد کشید:

"در حال حاضر که جهان با مشکلات مشابهی در خصوص ایران و سوریه روبروست درک پیچیدگی های کامل این تصمیم گیری حیاتی است. به نوعی در حال حاضر تلاش من این است مردم متوجهی پیچیدگی و دشواری این تصمیم گیری شوند. اگر این موضوع را نفهمیم نمی توانیم درباره ی رشته مشکلات مشابهی که در چند سال آینده پیش خواهد آمد تصمیم درستی بگیریم. چنین مشکلی را امروز در سوریه داریم و در آینده در ایران... ما در میانه ی این درگیری هستیم که یک نسل طول خواهد کشید و دشوار و سخت خواهد بود" [8].

تحلیل بلر، تحلیلی ایدئولوژیک و تجویزی برای کلنگی کردن منطقه به مدت یک نسل دیگر است. ناقدان بریتانیایی پیامدهای فاجعه ای را که آفریده (از جمله این که به نوشته ی مجله ی پزشکی معتبر "لنست" فقط تا سال 2006، 654965 عراقی در جنگ کشته شدند [9]) در برابرش قرار داده و از او می خواهند که مسئولیت اعمالش را بپذیرد (از ابتدای سال 2013 تاکنون بیش از 4 هزار تن در عراق کشته شده اند [10]). به گزارش خبرگزاری فرانسه فقط در ماه جولای 989 تن در اثر بمب گذاری های گروه های تروریستی کشته شده که 778 تن از آنان غیرنظامی بوده اند [11]. اکثر بمب گذاری ها کار القاعده است که بوش و بلر وارد عراق کردند. به گزارش سازمان ملل، در 6 ماه اول سال 2013، تلفات غیر نظامیان در افغانستان 23 درصد رشد کرده است، یعنی 1319 کشته و 2533 زخمی [12]. و این تازه شماره تلفات غیرنظامیان است، نه نیروهای دولتی، طالبان، و نیروهای ناتو). اما بلر، بار مسئولیت را از دوش کلنگی کاران و کلنگی گری برداشته و - نژادپرستانه - به "ماهیت" جوامع خاورمیانه و مردم آن نسبت می دهد. می گوید:

"این بزرگترین سفسطه در سراسر این بحث است، که در واقع این ایده است که اگر شما تصمیمات متفاوتی می گرفتید تمام قضیه به صورت کاملاً مطلوبی از آب در می آمد. طبیعتاً همیشه می توان گفت که اگر این کار یا آن کار را انجام می دادید، آن وقت ممکن بود بهتر شود. آن چیزی که من سفسطه می نامم، و آن هم سفسطه ای بسیار بزرگ، باور به این است که مداخله ای مثل کوزوو یا صربستان نمی داشتید، تفاوت میان آن دو مثال و عراق و افغانستان نه در طبیعت برنامه ریزی و تصمیم گیری بلکه به طبیعت خود آن جامعه و نیروهای عامل در درون آن ارتباط دارد" [13].

تونی بلر این مدعای نژادپرستانه را با مدعای دیگری درباره ی اسلام - در 2 جون 2013 - تکمیل می کند. می گوید مسأله به بطن اسلام باز می گردد. تخم ارتجاع و ترور توسط گروه های افراطی مسلمان در حال کاشته شدن است. نباید فراموش کرد که جنگ افغانستان و عراق به این علت بسیار طولانی شد که ما غربیان اجازه دادیم دولت های از هم پاشیده (failed states) به وجود بیاید [14].

نظرات بلر روشن و صریح است:

تبیین: ماهیت کشورهای خاورمیانه خراب است و اسلام هم خشونت آفرین است.

توصیه: با تهاجم نظامی باید تکلیف منطقه را روشن ساخت.

به رویدادهای مصر نیز می توان از این منظر هم نگریست. تونی بلر که عاشق کلنگی کردن منطقه است، در 6 جولای 2013 در گاردین درباره ی کودتای مصر گفته است: ارتش در برابر دو انتخاب قرار داشت: دخالت در سیاست و برکناری مرسی یا آشوب و هرج و مرج. اقتصاد مصر در حال فروپاشی بود، قوانین و نظم از بین رفته و خدماتی هم ارائه نمی شد. مردم به ناکارآمدی دولت معترض بودند. من طرفدار دموکراسی هستم، اما دولت دموکراتیک لزوماً به معنای دولت کارآمد نیست. در این شرایط نفرت از ایدئولوژی اخوان المسلمین و عدم تساهل آنان بر پیچیدگی امور افزود. اخوان در حال تحمیل ایدئولوژی خود بر زندگی روزمره ی مردم بود و این در کشوری با 8 میلیون مسیحی و نسل جوان امکان پذیر نبود. برای نظام سیاسی اسلامی که هدفش برپایی خلافت منطقه ای است، آینده ای وجود ندارد [15].

به نوشته دیلی تلگراف 7 جولای 2013، تونی بلر - به عنوان نماینده گروه چهار جانبه صلح- اخیراً لیانه پولاک- افسر سابق اطلاعاتی اسرائیل- را به عنوان مشاور خود منصوب کرد [16]. به نوشته گاردین هیچ فرقی بین مواضع بلر و مواضع دولت اسرائیل وجود ندارد [17].

هزینه های دفاع از اسرائیل برای آمریکا

سیاست خاورمیانه ای آمریکا تحت سیطره ی اسرائیل قرار دارد. طراح استراتژی مهار دو گانه ی ایران و عراق در دولت کلینتون، مارتین ایندیک بود که نخستین بار آن را در مه 1993 در جمع یک گروه از محققان طرفدار اسرائیل WINEP بیان کرد [18] و در مرحله ی بعد به عنوان مدیر مسائل خاورمیانه و آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی به اجرا گذاشته شد (آنتونی لیک- مشاور امنیتی اول بیل کلینتون- هم نقش بسیار مهمی در سیاست مهار دوجانبه ایران و عراق داشت).

تیتز اصلی واشنگتن پست 9 فوریه ی 2003 چنین بود: "سیاست خاورمیانه ای بوش و شارون تقریباً یکسان است" [19]. برنت اسکوکرافت- مشاور سابق امنیت ملی- در اکتبر 2004 اعلام کرد که شارون پرزیدنت بوش "را روی انگشت خود می چرخانده است" [20]. چاک هیکل- وزیر دفاع جمهوری خواه اوپاما- به دلیل این که قبلاً گفته بود که کنگره ی آمریکا تحت سیطره ی "لابی یهودی" قرار دارد، مدتها جمهوری خواهان مانع تشکیل جلسه ی سنا برای بررسی صلاحیت او شدند. در نهایت که جلسه تشکیل شد، پرسش های زیادی در این باره از او کردند. او مجبور به اصلاح سخن خود شد. اما نکته ی اساسی این است که مدعای اصلی خود را تکرار کرد و فقط به جای "لابی یهودی" از "لابی طرفدار اسرائیل" سخن راند [21]. او گفت: "قبلاً هم گفته ام که اشاره ی من به لابی یهودی نامناسب بوده است. می بایست بگویم لابی طرفدار اسرائیل ..." [22].

دفاع تمام عیار دولت آمریکا از دولت اسرائیل، به زیان منافع ملی آمریکا بوده است. به سخنان دو فرمانده مهم ارتش آمریکا بنگرید:

الف- ژنرال جیمز ماتیس- فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا(سنت کام) تا مارس 2013، که مسول تمامی نیروهای آمریکا در خاور میانه، شمال آفریقا، و آسیای مرکزی است- در 25 جولای 2013 گفته است: من هر روز به عنوان فرمانده سنتکام بهایی می پرداختم، برای این که اعراب بر این باورند که ما نسبت به اسرائیل تبعیض قائل می شویم. حتی اعراب معتدل حاضر نیستند در قلمرو عمومی از کسانی- آمریکا- حمایت کنند که برای مردم فلسطین احترامی قائل نیستند. شرایط کنونی در اسرائیل قابل دوام نیست و علت اصلی عدم موفقیت صلح بین اعراب و اسرائیل، شهرک های یهودی نشین در سرزمین های اشغالی فلسطینیان است. این شهرک ها راه حل تشکیل دو دولت را غیر ممکن می سازند. اسرائیل باید میان دو راه حل یکی را انتخاب کند: دولت یهودی در کنار دولت فلسطینی و پس دادن سرزمین های اشغالی، یا تشکیل یک دولت واحد با نظام آپارتاید[23].

ب- ژنرال پتراس- که پیش از ژنرال ماتیس منصب او را در اختیار داشت- در 17 مارس 2010 گفته بود: به دلیل این که آمریکا اسرائیل را بر فلسطین ترجیح می دهد، نزاع میان اسرائیل و فلسطین موجب بروز احساسات ضد آمریکایی در منطقه شده است. پتراس در سنای آمریکا گفت: نزاع بلندمدت اسرائیل و همسایگانش چالش های جدید برای آمریکا به منظور تعقیب منافع اش در منطقه ایجاد کرده است. خشم اعراب در خصوص مسأله ی فلسطین، مشارکت و همکاری ما با دولت ها و مردم آن منطقه را محدود کرده است[24].

همدیگر را بکشید

کشتن مسلمان ها به دست یکدیگر و نابودی جوامع اسلامی، رکن رکین کلنگی کردن منطقه است. در جنگ ایران و عراق، هنری کیسینجر در مصاحبه ی با تلویزیون ABC می گفت: "امیدوارم یکدیگر را بکشند"[25]. منافع اسرائیل ایجاب می کرد که آن جنگ به طول بینجامد و طرفین، مردم و کشورشان را نابود سازند.

اسرائیل قدرتمند شدن کشورهای مسلمان را پذیرا نبوده و بی ثباتی دائمی و کشتار همدیگر را به سود منافع خود به شمار می آورد. کارولین گلایک روزنامه نگار دست راستی اسرائیلی در مورد جنگ ایران و عراق گفته است: "ما جنگ ایران و عراق را جنگ مبارک می نامیدیم...[می گفتیم] ای کاش صد سال طول بکشد"[26].

ساموئل سگو- نویسنده اسرائیلی- در کتابی که به عبری نوشته و به انگلیسی تحت عنوان **مثلث ایرانیان** ، **قصه ی ناگفته ی نقش اسرائیل در ایران/کنترا** ترجمه شده است، نشان داده که بین آمریکا و اسرائیل درباره ی جنگ ایران و عراق از زمانی به بعد اختلاف نظر بروز کرد. آمریکا از جایی به بعد، در صورتی که صدام حسین سقوط نکرده تا موجب بی ثباتی کشورهای نفت خیز خلیج فارس شود، به خاتمه ی جنگ ایران و عراق تمایل پیدا کرد. اما خواست اسرائیل ادامه ی جنگ به منظور کاهش قدرت نظامی طرفین به حدی بود که نتوانند در هیچ جنگ دیگری فراسوی مرزهای خود شرکت کنند. در این چارچوب، اسرائیل موافق ارسال اسلحه به ایران بود تا توازن قوا بین دو کشور برای ادامه ی جنگ حفظ گردد[27].

دولت های آمریکا، فرانسه، روسیه و... در جنگ عراق را به شدت مسلح می کردند. ماهنامه ی ریدرز دایجست در گزارشی در تیرماه 1365 نوشت که اسرائیل فروش موشک های امریکایی را به ایران پیشنهاد کرده است: "آن چه که در پشت حمایت نظامی اسرائیل از چنین رژیم های قانون شکنی چون آیت الله خمینی به چشم می خورد این است که درگیری بیشتر ایران و عراق در جنگ با یکدیگر، امنیت اسرائیل را کمتر تهدید می کند" [28].

برای محافظه کاران امریکایی، کلنگی کردن منطقه دارای جنبه های مذهبی هم بود. پس از تجاوز نظامی آمریکا به عراق، دونالد رامسفلد گزارش های روزانه ی خود به بوش را با آیه ای از انجیل آغاز می کرد [29]. جرج بوش در همان آغاز، آن جنگ را "جنگ صلیبی" نامید. وقتی از او پرسیدند چرا درباره ی حمله ی به عراق با پدرت که قبلاً رئیس جمهور بود مشورت نکردی؟ در پاسخ گفت: به جای آن با پدر آسمانی ام مشورت کردم.

کاندلیزا رایس- مشاور امنیت ملی بوش و وزیر خارجه ی بعدی اش- نیز گفته است که در سال 2006 که موضوع افزایش نیروهای آمریکا در عراق مطرح شد- و ظاهراً رایس با آن مخالف بود- بوش خطاب به او گفته بود: "برنامه تو [در مورد عراق] چیست؟ بگذاریم عراقی ها یکدیگر را بکشند، ما کنار بایستیم و بعد تکه ها را جمع آوری کنیم؟" [30].

البته روشن است که بوش/چینی/رامسفلد/بزر به خاطر خدا با عراق نمی جنگیدند. "صنعت اسلام ستیزی" نیز لزوماً به معنای ضدیت با اسلام نیست، بلکه وسیله ای برای پیش برد اهداف سیاسی و گسترش سلطه است. اگر روزی لازم شود، صنعت کنفسیوس ستیزی آغاز به کار خواهد کرد. شبکه ی اسلام هراسی متشکل از بنیادهایی است که فعالانه چهره ای زشت از اسلام به تصویر می کشند [31].

هدف بسط هژمونی بود و هست. در برنامه راهنمای برنامه ریزی دفاعی سال های مالی 1994-1999 آمریکا آمده است:

"نخستین هدف ما جلوگیری از ظهور مجدد یک رقیب، چه در قلمرو شوروی سابق و چه در جای دیگر است، که تهدیدی که متوجه ما می کند در سطح همانی باشد که شوروی برای ما داشت. این مهمترین استراتژی ما برای دفاع منطقی می باشد که لازمه اجرای آن این است که ما اجازه ندهیم یک قدرت متخاصم کنترل منطقه ای را در دست داشته باشد که دارای آنچنان منابعی است که منجر به ظهور آن قدرت در سطح جهانی شود. این نواحی شامل اروپای غربی، شرق آسیا، قلمروی شوروی سابق، و جنوب غرب آسیا می باشد" [32].

در سند طبقه بندی شده ای که وزارت دفاع در 31 دسامبر 2001 در اختیار کنگره قرار داد، آمده است:

"تجدید موضع هسته ای دولت بوش، ارتش را به سمت تهیه ی برنامه های اضطراری برای استفاده از سلاح های هسته ای حداقل علیه 7 کشور- چین، روسیه، عراق، ایران، کره شمالی، لیبی و سوریه- و

ساختن جنگ افزارهای کوچک تر هسته ای به منظور کاربرد در موقعیت های جنگی معین سوق می دهد" [33].

افشاگری های اسنودن نشان داد که دولت آمریکا به **بهموتی** تبدیل شده که حوزه خصوصی همه شهروندان جهان را به کنترل کامل خود در آورده است (مانند طرح بنتام درباره ی سراسریینی). هیچ امری از زندگی خصوصی شما از نظارت سراسریین این مرکز در امان نیست. گاردین 31 جولای 2013 اسناد مهم تازه ای در این زمینه منتشر کرده است [34]. گاردین در اسناد جدیدتری نشان داده که دولت آمریکا در برابر کمک 100 میلیون پوندی به نهادهای امنیتی بریتانیا، آنان را قادر ساخته تا کلیه ی اطلاعات شخصی تلفن های همراه افراد را به دست آورده و در اختیار آمریکا بگذارند. سازمان امنیتی بریتانیا اعلام کرده که همیشه و در هر مکانی قادر است "داده های هر تلفنی را بررسی کند" [35]. هژمونی فقط دولت ها را در بر نمی گیرد، بلکه کلیه ی شهروندان جهان را شامل می شود.

کلنگی کردن مصر

ارتش مصر که یک ارتش دست پرورده پنتاگون است و افسران عالیرتبه آن دائماً با همتهای خود در پنتاگون در تماس هستند، یکی از ارتش های به شدت فاسد است که اقتصاد و سیاست آن کشور را در چنگ دارد [36]. طی 70 سال گذشته آنان از طریق سرکوب های وحشیانه توانسته اند این موقعیت ممتاز را برای خود پدید آورند. هر جا نظامیان این چنین قدرتمند باشند، از دموکراسی و حقوق بشر خیری نخواهد بود [37]. در نظام های دموکراتیک وظایف ارتش به حفظ مرزهای ملی محدود شده و تحت امر زمامداران منتخب غیر نظامی کار می کنند. ارتش مصر که حاضر به از دست دادن موقعیت چند دهه ای خود نیست، از طریق کودتا مرسی را برکنار کرد.

این کودتا- همانند هر کودتای دیگری- دارای مقدماتی بود:

الف- فلج کردن اقتصاد: اقتصادی که در چنگال ارتش قرار دارد را ارتش فلج کرد، تا نارضایتی بیافریند. از کمبود بنزین گرفته تا قطع برق ها. باور نمی کنید، به نیویورک تایمز 11 جولای 2013 بنگرید. می نویسد:

"کمبود بنزین به یکباره تمام شده و صف اتومبیل ها در پمپ بنزین ها دیگر دیده نمی شود. قطع برق هم دیگر آزار دهنده نیست و سر و کله ی ماموران پلیس هم مجدداً برای برقراری امنیت در خیابان ها پیدا شده است. برقراری معجزه آسای برق و پایان کمبود سوخت و ظهور مجدد ماموران پلیس نشانه ی آن است که...برنامه ای -آگاهانه یا ناآگاهانه- برای پایین آوردن کیفیت زندگی مردم در حکومت مرسی در جریان بوده است" [38].

ب- منابع مالی: به گزارش الجزیره، حمایت مالی موسسات آمریکایی از بعضی گروه های فعال در تظاهرات اخیر علیه مرسی قابل توجه بوده است [39]. بودجه چند میلیارد دلاری عربستان سعودی نیز، رویه ی دیگری از داستان کودتای مصر است. البرادعی به واشنگتن پست 2 اگوست 2013 گفته است که

عربستان سعودی و امارات میلیاردها دلار دادند تا از شر اخوان المسلمین مصر خلاص شوند [40]. جمع کمک عربستان و امارات و کویت 12 میلیارد دلار بود.

پ- جنگ رسانه ای: بزرگ کردن تعداد مخالفان، بخشی از کودتا بود. درباره ی نیروهای مخالف مرسی اغراق های بزرگی صورت گرفت [41]. به مقاله های یک [42] و دو [43] بنگرید که بر اساس محاسبه ی نقشه های هوایی و گوگل ارث انجام شده است. بر اساس محاسبه ی آنان، میدان تحریر و همه خیابان های اطرافش حداکثر ظرفیت 250 هزار نفر را دارد و رقم چند میلیون نفر برای تظاهرات 30 ژوئن دروغ محض است.

ت- هماهنگی با آمریکا: از چند هفته پیش از کودتا، کودتاگران دائماً با آمریکا در ارتباط بوده اند [44]. محمد البرادعی هم به نیویورک تایمز گفته است که از مدتی قبل به جان کری و اشتون می گفته که مرسی باید به زور برکنار شود [45].

ث- تأیید کودتا توسط آمریکا: جان کری گفته است: "میلیون ها و میلیون ها نفر از مردم مصر که نگران سقوط کشورشان به ورطه ی هرج و مرج و خشونت بودند، خواستار دخالت نظامیان شده بودند. تا آنجا که من تشخیص می دهم، تا زمان حاضر، نظامیان قدرت را در دست نگرفته اند بلکه اداره امور کشور، در دست یک دولت غیرنظامی است. در اصل، نظامیان در تلاش برای بازگرداندن دموکراسی بوده اند" [46].

فرض کنید حق با کری باشد. تکلیف حکومت از طریق صندوق های رأی- که باید رقابتی و آزاد باشد- تعیین می شود، یا تظاهرات خیابانی و برکناری حکومت منتخب توسط ارتش؟ آیا این نوع استدلال همانند استدلال آیت الله خامنه ای نیست که مشروعیت رژیم را به تظاهرات میلیونی روز قدس، 22 بهمن و... متکی می سازد؟ می گوید جمهوری اسلامی مشروع است، چون در 34 سال گذشته صدها بار مردم در سراسر کشور از طریق تظاهرات از آن حمایت کرده اند. حتی فتنه ی سبز نیز با تظاهرات 40 میلیونی- به ادعای او- مردم در 9 دی پایان یافت.

ج- کشتار و بازداشت: بازداشت های گسترده و کشتار رکن دیگر کودتا است. ارتش پس از برکناری و بازداشت مرسی، حدود 300 تن از نیروهای طرفدار مرسی را کشته [47]، چند هزار تن از آنان را زخمی کرده و صدها تن دیگر را هم بازداشت و زندانی کرده است.

خاویر سولانا در 24 جولای 2013 پیامدهای کودتای مصر و تحولات سوریه برای کل منطقه را گوشزد کرد و نوشت:

"مرسی در یک فرایند منطقی و قانونی از طریق انتخاباتی دموکراتیک نزدیک به یک سال پیش به عنوان رئیس جمهوری مصر انتخاب شد. اما توسط گروه نظامی که همواره بر روند سیاسی کشور نظارت داشته از قدرت کنار زده شده است. از این جا آینده مجهول مصر آغاز شد و پس از کنار رفتن او از قدرت در پی یک تظاهرات عظیم خیابانی حالا طرفداران او خیابان ها را به صحنه زد و خورد تبدیل کرده اند... کودتا آن هم یک سال بعد از انتخاب دولتی جدید به طریقه دموکراتیک، آن هم دقیقاً چند ماه بعد از این که

هیلا ری کلینتون، وزیر امور خارجه امریکا با مرسی دیدار داشت و توافق شد تا راه هایی برای پایان دادن به خصومت ها میان اسرائیل و حماس در غزه یافت شود، می تواند فرصت خوبی برای صعود اسلام گرایان در منطقه فراهم آورد... کودتا در مصر می تواند به سرعت بر سلسله حوادث جاری در منطقه عربی تاثیر بگذارد. سوریه همچنان درگیر جنگ داخلی خونینی است که تا کنون جان بیش از یکصد هزار نفر را گرفته است. نظام بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه با سقوط دولت اخوان المسلمین در مصر جشن گرفت و تلاش کرد از سقوط مرسی برای افزایش قدرت خود در داخل استفاده کند، این مساله باعث شد تا یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه بیش از پیش سخت شود... برای حماسی که ارتباطات بسیار قوی ای با اخوان المسلمین دارد، کودتا در مصر به معنای از دست دادن حمایت مصر است، به خصوص که از این کودتا اسرائیل بیشترین سود را می برد... به طور خلاصه، خاورمیانه به سمت تنش عمیق تر در حرکت است و ما اگر نتوانیم راه حلی برای بحران سوریه و مصر بیابیم باید شاهد بی ثباتی های بیشتری در منطقه باشیم" [48].

ارتش علیه مرسی کودتا کرد. رهبر کودتا و فرمانده ارتش از مخالفان مرسی درخواست کرد تا به میدان بیایند تا ارتش کار را یکسره سازد. نتیجه ی آن کشتن بیش از 120 تن و زخمی کردن هزاران تن بوده است. ارتش هیچ وقعی به درخواست های مکرر دولت آمریکا، فرانسه، اتحادیه ی اروپا و دبیرکل سازمان ملل مبنی بر آزادی مرسی و دیگر بازداشت شدگان نگذاشته و به سرکوب خونین ادامه می دهد. کشتارهای خونین جمعه و شنبه حتی توسط شیخ الازهر - که در تمام دوران حسنی مبارک فقط حرف مفت می زد و در کنار کودتاگران ایستاد - هم محکوم شد. محمد البرادعی که توسط کودتاگران به معاونت رئیس جمهور منتخب ارتش منصوب شده نیز کشتارهای تازه را محکوم کرده است. جنبش 6 آوریل که از گروه های اصلی مخالف مرسی بود و هست نیز کشتار تظاهر کنندگان را محکوم کرده و خواستار برکناری وزیر کشور مصر شده است [49]. محمود بدر موسس و سخنگوی جریان "تمرد" نیز ضمن رد عملکرد وزارت کشور، با محدود کردن فعالیت های سیاسی و مذهبی مخالفت کرد و آن را در تعارض با اصول اولیه انقلاب 25 ژانویه به شمار آورد و آن را بازگشت به دوران مبارک نامید [50].

باید توجه داشت جبهه ی ضد مرسی/ اخوان المسلمین ترکیب بسیار متفاوت و متعارضی دارد. به عنوان نمونه، اخیراً تصویر موسس "تمرد" در کنار عکس نصرالله- رهبر حزب الله لبنان- منتشر شد. گروه های سلفی مصر- از موضع ضد شیعی- به شدت به او تاختند، اما او از عمل خود دفاع کرد و گفت این عکس پس از جنگ 33 روزه اسرائیل و حزب الله گرفته شده است و منتقدان وی به اصول "مقاومت" پایبند نیستند [51].

جان کری- وزیر امور خارجه امریکا- با صدور بیانیه ای در 92/5/5، ضمن محکوم کردن خشونت ها، خواستار آزادی مرسی و کلیه بازداشت شدگان و آزادی تجمعات و آزادی بیان شد. او در بیانیه خود به نکته مهمی اشاره کرد که مدعای این مقاله را تأیید می سازد. کری از تمامی رهبران سیاسی مصر خواست "به سرعت به کمک کشورشان بیایند" تا از آنچه سقوط مصر از لبه پرتگاه است، جلوگیری کنند [52]. همان گونه که گفته شد، رهبر کودتا از مدتی قبل از کودتا با چاک هیگل وزیر دفاع امریکا

مشورت می کرد، و محمد البرادعی در مکالمه‌های طولانی با جان کری و کاترین اشتون به آنها اصرار می کرد که مرسی باید برداشته شود.

دیده بان حقوق بشر نیز اعلام کرده که زمامداران مصر: "برای جان مردم ارزشی قائل نیستند".

رژیم سکولار حافظ اسد/ بشار اسد طی چند دهه ی گذشته مردم خود را با کمک نیروهای امنیتی و ارتش به شدت سرکوب و جنایات بزرگی آفرید. وقتی اعتراض های مردمی آغاز و سرکوب شد، با دلارها و تسلیحات قدرت های منطقه ای ارتش این کشور دچار صدمات جبران ناپذیری گردید و با وضعیت فعلی سوریه دیگر هیچ چشم اندازی برای باز پس گیری بلندهای جولان وجود ندارد. ضمن آن که اکونومیست انگلیس در 27 جولای 2013، از خطر تجزیه ی سوریه سخن گفته و نقشه ی آن را هم منتشر کرده است [53]. گروه های القاعده، جبهة النصرة، اخوان المسلمین و... سوریه توسط کدام دولت ها تأمین مالی و تسلیحاتی می شدند؟ عربستان سعودی، قطر و ترکیه. قطر به تنهایی 3 میلیارد دلار در اختیار آنان گذارد. هر سه کشور متحدان اصلی آمریکا در منطقه بوده و آمریکا در آن کشورها دارای پایگاه های نظامی است(به نوشته نیویورک تایمز [54] و واشنگتن پست [55] ، القاعده و جبهة النصرة جنگ با دولت سکولار اسد را انجام می دهند).

ارتش مصر نیز که طی چند دهه ی گذشته از طریق **حکومت سکولار** به شدت مردم را سرکوب کرده و حاضر به از دست دادن منابع کمیاب قدرت/ثروت/ معرفت/منزلت اجتماعی نیست، ممکن است مصر را به سرنوشت سوریه دچار سازد. در مصر نیز قدرت های جهانی و منطقه ای نقش مهمی بازی کرده اند. منافع این وضعیت به جیب چه کسانی ریخته خواهد شد؟

دموکراسی و دیکتاتوری یا سکولار و اسلام گرا

همه- تونی بلر، خاویر سولانا، رایان کراکر(سفیر پیشین آمریکا در عراق و افغانستان)- از بی ثباتی و جنگ بلند مدت در منطقه سخن می گویند. کراکر در 23 جولای 2013 می نویسد:

"آتش های جنگ سوریه چند صباحی شعله ور خواهد بود. مانند آتش سوزی بزرگ یک جنگل که همچنان در حال گسترش است و بیشترین کاری که می توانیم انجام دهیم این است که از این جنگ پرهیز کنیم. **القاعده در عراق و سوریه یک پارچه شده اند، و بمب گذاری خودروها در عراق تبدیل به یک رویداد روزانه شده است و البته این گروه به دنبال ایجاد یک جنگ داخلی فرقه ای است...من اخیرا در لبنان بودم، زمانی که نخست وزیر پیشین، با دلهره یک جنگ داخلی تازه را پیش بینی کرد که در حال حاضر نشانه های آن در درگیری بین سنی ها و علوی ها در شهر شمالی طرابلس، در شمال شرقی و حملات مناطق تحت کنترل حزب الله در بیروت دیده می شود. با گسترش خشونت ها فلسطینی ها با نیروهای سنی لبنان علیه شیعیان متحد خواهند شد و این امر به افراطی شدن فلسطینی ها در اردن، که در حال حاضر سلطنت آسیب پذیری دارد، منتهی خواهد شد. هر دو کشور نیاز به امنیت و حمایت های اقتصادی ما برای هجوم پناهندگان و تجهیز نیروهای امنیتی خود دارند. بی شک این جنگ طولانی خواهد بود"** [56].

یوشکا فیشر- وزیر امور خارجه اسبق آلمان- در مقاله ای در 26 جولای 2013 درباره ی کودتای مصر، نوشته که بدون تردید این واقعه کودتا بوده و اثرات منطقه ای برجای خواهد نهاد. در پایان مقاله آن را با پیامدهای بلند مدت بی ثباتی پس از انقلاب های اروپایی 1848 مقایسه کرده و نوشته است که در آینده ای نزدیک قطعاً نه صلح به کشورهای عربی باز خواهد گشت و نه ثبات در آنها حکمفرما خواهد شد [57].

شکاف اصلی منطقه، شکاف دیکتاتوری و دموکراسی است. گذار مسالمت آمیز به نظام دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر به معنای رفتن نظام های فاسد دیکتاتوری موجود است. این امر با منافع دولت های منطقه در تعارض قرار دارد.

اما اسرائیل هم مخالف دموکراتیزه شدن دولت های منطقه است. برای این که:

الف- دیگر نمی تواند به جهان غرب بگوید که تنها دولت دموکراتیک منطقه- در واقع دولت آپارتایدی، به تعبیر جیمی کارتر و ژنرال ماتیس- اسرائیل است که با فلسطینیان به روش های نازی ها- به گفته ی اوراهام شالوم، یکی از روسای پیشین سازمان امنیت داخلی اسرائیل که در نوجوانی در اروپا زندگی می کرد و شاهد رفتار نیروهای اشغالگر نازی با مردم سرزمین های اشغالی بود- رفتار می کند [58].

ب- دموکراتیزه شدن دولت های منطقه، تا حدود زیادی آنان را تابع مطالبات مردم خود می سازد. مطالبات مردم منطقه، مطالباتی نیست که خوشایند دولت اسرائیل باشد. لذا با دولت های دیکتاتوری وابسته بهتر می توان کنار آمد.

پ- به هر میزان که کشورهای منطقه ضعیف شده و با یکدیگر درگیر شوند و گرفتار جنگ داخلی گردند، به سود اسرائیل است.

تمامی نزاع ها- شیعه و سنی، سکولار و اسلام گرا، کرد و ترک و فارس و عرب- انحرافی و به زیان فرایند گذار به دموکراسی است. مسأله ی اصلی، مسأله ی گذار از نظام های استبدادی سرکوبگر موجود به نظام دموکراتیک است. هر جا ارتش/نظامیان در سیاست و اقتصاد دخالت کنند، از دموکراسی خبری نخواهد بود.

در عین توجه به علل و دلایل داخلی مسائل تک تک کشورهای منطقه، نمی توان در تحلیل مسائل نقش دولت های قدرتمند جهان و منطقه را نادیده گرفت. به 3 نمونه ی زیر توجه کنید:

الف- جان بولتون- نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل- در 29 جولای 2013 گفته است که هدف نتانیاهاو از آزادی 104 زندانی فلسطینی و مذاکرات صلح بی نتیجه این است که به اوباما بگوید من کارهایی که تو در این زمینه از من خواستی انجام دادم، اینک من نیازمند تو هستم که در مسأله ی ایران تو در کنار من [برای حمله ی به ایران] باشی [59].

ب- هفته ی گذشته کنفرانس ملی کردهای [60] عراق، ترکیه، سوریه و ایران در منطقه ی کردستان عراق برگزار شد [61]. گفته اند که نقشه ی کردستان بزرگ- مرکب از کردستان چهار کشور- در دفتر مسعود

بارزانی نصب شده و این امر مورد اعتراض قرار گرفته است [62]. رفتن به سوی تجزیه ی 4 کشور عراق، سوریه، ایران و ترکیه، بخشی از کلنگی کردن منطقه است. برای این که به طور طبیعی به کشته و زخمی و آواره شدن میلیون ها انسان بی گناه منتهی خواهد شد. سود این فرایند نصیب کدام کشور خواهد شد؟

پ- دولت اسرائیل با استفاده ی از لابی قدرتمند خود و رسانه های جهانی، طی چند دهه ی گذشته به شدت به "ایران هراسی" دامن زده و می زند. هادی رم- نویسنده ساکن اسرائیل- در کتاب *ایران هراسی* پیش فرض های اسرائیل درباره ی ایران را تحلیل کرده و نشان می دهد که این امر چگونه به هویت یهودیان اسرائیل شکل داده اند. به گفته ی او، بررسی منابع سیاسی، فرهنگی و آکادمیک نشان می دهد که ایران هراسی اسرائیل، در واقع انعکاس هراس جامعه ی اسرائیل از احساس خطری است که گمان می کنند برای نظم کنونی قومی آنان وجود دارد. ایران هراسی معلول ترس از واقعیت های قومی و مذهبی جامعه ی اسرائیل و ترس اغراق شده در خصوص به اصطلاح "جنگ بر علیه تروریسم" است. در ضمن او به بررسی رابطه ی ایران هراسی و خشونت علیه فلسطینیان هم می پردازد [63].

فراموش نکنیم، مسأله ی فلسطین مادر مسائل منطقه بوده و مسأله ی کشورهای منطقه، مسأله ی گذار مسالمت آمیز از رژیم های استبدادی به نظام های دموکراتیک است. بدون صلح و دموکراسی، منطقه آینده ی وحشتناکی خواهد داشت. مسأله ی منطقه، مسأله ی تبعیض، سیاست های یک بام و دو هوایی، رژیم های استبدادی فاسد، نفت، و... است. دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و صلح ایده های رهایی بخش اند، نه کلنگی کردن منطقه برای مدت طولانی (حداقل یک نسل به نظر تونی بلر، طولانی مدت به تعبیر رایان کراکر).

رابرت کوپر [64]، دیپلمات ارشد و از مشاوران تونی بلر نخست وزیر بریتانیا گفته بود:

"چالش جهان پسامدرن خو کردن به اندیشه ی **معیارهای دوگانه** است. ما به هنگام مواجهه ی با دولت های قدیمی مآب خارج قاره پسامدرن اروپا، لازم است به روش های زمخت تر عصری قدیم تر متوسل شویم- **زور، حمله ی پیشگیرانه، نیرنگ**، هر کاری که برای رویارویی با کسانی ضرورت داشته باشد که هنوز در دنیای قرن نوزدهمی "هر کشوری برای خودش"، زندگی می کند" [65].

رابرت کوپر صادقانه سیاست یک بام و دو هوایی دولت های غربی را بازگو و **تجویز** می کند. او می گوید که ما راهی جز این نداریم. به همین دلیل به عنوان مشاور دولت سرکوپرگر بحرین نیز در حال خدمت است. اما استراتژی کلنگی کردن منطقه در بلند مدت به سود دولت های غربی هم تمام نخواهد شد. کما این که اینک دو سوم مردم آمریکا بر این باورند که جنگ افغانستان ارزش بهایی را که برای آن پرداخت شد، نداشت [66].

نفرت از جمهوری اسلامی- همچون نفرت از شاه- ممکن است مرا به دفاع از دیکتاتوری و افتادن به چاله ی دیکتاتوری بیندازد. در اینجا، اسلام گرایان به **نیروهای اهریمنی** تبدیل می شوند که از هر راهی باید بر آنها فائق شد. فرایند دموکراتیک ممکن است به پیروزی اسلام گرایان منتهی شود. پس باید این فرصت را

از آنها گرفت، چون "دیکتاتوری سکولار" برتر از "دیکتاتوری اسلام گرا" است. به عنوان مثال، نظام های دیکتاتوری سکولار قذافی، صدام حسین، حافظ اسد، حسنی مبارک، پینوشه، کره شمالی، استالین، و... برتر جمهوری اسلامی، حکومت یک ساله ی مرسی و حکومت اسلام گرایان ترکیه بوده و هستند.

حکومت قطر و عربستان سعودی هم برتر از جمهوری اسلامی اند. پس اقدامات آنان علیه موجودیت ایران موجه است. پس با کمک های مالی، تسلیحاتی، کودتا، و... باید "نخبگان سکولاری" ساخت که جایگزین اسلام گرایان شوند. اگر در گذشته "وحدت ضد امپریالیستی" نیروهای متعارض را گرد هم جمع می کرد، اینک "وحدت ضد اسلام گرایان" اجماع ساز است. دلیل برتری "دیکتاتوری سکولار" بر "دیکتاتوری اسلام گرا" چیست؟ بنیادگرایی دینی هم پدیده ای متعلق به دوران مدرن است.

اما طنزی هم در اینجا وجود دارد. در تونس، محمد البراهمی، نیروی سکولار، پس از اقامه ی نماز جمعه و ترک مسجد ناجوانمردانه توسط سلفی ها ترور می شود، در ایران هم زندانیان سیاسی به طور دسته جمعی بیانیه ای صادر کرده و به جمهوری اسلامی می تازند که در ماه مبارک رمضان به بند آنها یورش برده، مزاحم عبادت آنها شده و به قرآن اهانت کرده اند. اما من که خود را سکولار قلمداد می کنم، به "اسلام هراسی" و "اسلام ستیزی" دامن می زنم. این رویکرد ما را به سیاه چاله ای می اندازد که نه تنها دموکراسی ساز نیست، بلکه نابود کننده ی نیروها و کشور است.

آن دسته از نیروهایی که دل در گرو ایران، ایرانیان و دموکراسی دارند، باید بدانند که تحریم های اقتصادی فلج کننده پیامدی جز نابودی ایران و ایرانیان ندارد. تحریم های اقتصادی جدید مصوب کنگره به سرعت تمام موجب خشنودی نتانیاهو شد و گفت:

"متعاقب انتخابات ایران مجلس نمایندگان [آمریکا] پیام واضحی به رژیم ایران فرستاده مبنی بر این که فشار بین المللی افزایش خواهد یافت تا زمانی که ایران... از پیگیری خود برای دستیابی به توانایی هسته ای دست بکشد" [67].

مدتهاست که کاذب بودن مدعای ساخت بمب اتمی تغییر کرده و به مدعای "دست یابی به توانایی هسته ای" - یعنی تولید 250 کیلو گرم اورانیوم غنی شده ی 20 درصدی که **خط قرمز** نتانیاهوست - تبدیل شده است.

تحریم های اقتصادی فلج کننده مردم ایران را نابود می سازند. رفته رفته صدای اعتراض نیروهای جامعه ی مدنی ایران بلند شده است. اگر هدف کلنگی کردن ایران است، این تحریم ها باید ادامه یابند، اگر هدف نابودی ایران و ایرانیان نیست، تحریم ها باید لغو گردند. تا حدی که من اطلاع دارم، این خواست **مخالفان داخل کشور و زندانیان سیاسی** است. هدف دموکراتیزه کردن جامعه و نظام سیاسی از طریق قدرتمند کردن مردم و صلح با جهانیان است.

منبع: گویانیوز، 92/5/11

پاورقی ها:

1- خواندن مقاله ی " طرح اسرائیل برای نابودی ایران " برای تأیید مدعیات این مقاله ضروری است.

2- رجوع شود به لینک :

<http://www.dw.de/%D9%86%D9%82%D8%B4-%D8%AA%D9%88%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D9%84%D8%B1-%D9%88-%DB%8C%DA%A9-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%AA%D8%A7%DA%A9%D8%B3%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82/a-4998015>

3- رجوع شود به لینک:

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-467175/Tony-Blair-talked-God-Iraq.html>

4- رجوع شود به لینک های:

<http://www.theguardian.com/politics/2010/sep/01/tony-blair-west-use-force-iran-nuclear-weapons>

<http://www.telegraph.co.uk/news/politics/tony-blair/7974819/Tony-Blair-memoirs-we-must-be-prepared-for-attack-on-Iran.html>

5- رجوع شود به لینک:

<http://www.telegraph.co.uk/news/politics/tony-blair/7974819/Tony-Blair-memoirs-we-must-be-prepared-for-attack-on-Iran.html>

6- رجوع شود به لینک:

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-114626/Im-Bushs-poodle-insists-Blair.html>

7- رجوع شود به لینک:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/03/130319_l24_blair_syria.shtml

8- رجوع شود به لینک:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/02/130227_u14_blair_iraq_anniversary.shtml

9- رجوع شود به لینک:

<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2006/10/10/AR2006101001442.html>

10- رجوع شود به لینک:

http://www.radiofarda.com/content/f12_iraq_explosions_60_dead/25060041.html

11- رجوع شود به لینک:

<https://now.mmedia.me/lb/en/mena/989-killed-in-iraq-in-july-most-since-2008>

12- رجوع شود به لینک:

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/07/130731_k02-un-afghan-civilians-casulties.shtml

13- رجوع شود به لینک:

http://www.bbc.co.uk/iplayer/episode/b01r2qgj/How_Iraq_Changed_the_World/

14- رجوع شود به لینک:

<http://www.telegraph.co.uk/news/uknews/terrorism-in-the-uk/10094007/Tony-Blair-Woolwich-attack-shows-there-is-a-problem-within-Islam.html>

15- رجوع شود به لینک:

<http://www.theguardian.com/commentisfree/2013/jul/06/egypt-middle-east-tony-blair>

16- رجوع شود به لینک:

<http://www.telegraph.co.uk/news/politics/tony-blair/10164523/Tony-Blair-hired-ex-Israeli-army-intelligence-officer-despite-envoy-role.html>

17- رجوع شود به لینک:

<http://www.theguardian.com/politics/2011/oct/01/palestinian-leaders-tony-blair-israel>

18- رجوع شود به لینک:

<http://www.foreignaffairs.com/articles/49686/f-gregory-gause-iii/the-illogic-of-dual-containment>

19- رجوع شود به لینک:

<http://electronicintifada.net/content/bush-and-sharon-nearly-identical-mideast-policy/4394>

20- رجوع شود به لینک:

<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A36644-2004Oct15.html>

21- رجوع شود به لینک:

<http://www.jta.org/2013/01/31/news-opinion/politics/in-hearings-chuck-hagel-expands-on-jewish-lobby-apology>

22- رجوع شود به لینک:

<http://www.washingtonpost.com/blogs/post-politics/wp/2013/01/31/hagel-regrets-words-on-jewish-lobby/>

23- رجوع شود به لینک:

<http://www.timesofisrael.com/ex-us-general-we-pay-a-price-for-backing-israel/>

24- رجوع شود به لینک:

<http://www.haaretz.com/news/u-s-general-israel-palestinian-conflict-foments-anti-u-s-sentiment-1.264910>

25- رجوع شود به لینک:

http://www.thirdworldtraveler.com/Iraq/Saddam_Rumsfeld_GoldSpurs.html

همچنین رجوع شود به سخنان رمزی کلارک- وزیر اسبق دادگستری آمریکا- در لینک:

<http://www.addictedtowar.com/docs/clark.htm>

و مصاحبه ی ویدئویی: <http://www.youtube.com/watch?v=46rjq52F8iA>

و به صفحه ی 228 کتاب جیمز افره به نام *به فلسطین فکر کن* در لینک زیر:

http://books.google.com/books?id=e9a2BaYQAD4C&pg=PA228&lpg=PA228&dq=Henry+Kissinger+Iran-Iraq+war+let+them+kill+each+other&source=bl&ots=KF0mO_6xbV&sig=UQasJEZpKosF9clg7Adi5PK-Zb8&hl=en&sa=X&ei=hoD2UcCdBqapiQKYooGIDA&ved=0CDUQ6AEwAg#v=onepage&q=Henry%20Kis&f=false

26 رجوع شود به لینک: <http://mondoweiss.net/2011/04/glickism-and-feithism.html>

27-Samuel Segev, The Iranian Triangle: The Untold Story of Israels Role in the Iran – Contra Affair . translated by Haim Watzman .

28- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال 1365، اوج دفاع ، ص 181.

29- رجوع شود به لینک:

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-1184546/Donald-Rumsfelds-holy-war-How-President-Bushs-Iraq-briefings-came-quotes-Bible.html>

30- رجوع شود به لینک:

<http://www.nytimes.com/2011/10/23/world/in-memoir-condoleezza-rice-tells-of-clashes-with-cheney.html?pagewanted=all&r=1&>

31- رجوع شود به لینک:

<http://www.americanprogress.org/issues/religion/report/2011/08/26/10165/fear-inc/>

32- رجوع شود به لینک:

<http://www.nytimes.com/1992/03/08/world/excerpts-from-pentagon-s-plan-prevent-the-re-emergence-of-a-new-rival.html?pagewanted=all&src=pm>

33- رجوع شود به لینک: <http://articles.latimes.com/2002/mar/09/news/mn-31965>

34- رجوع شود به لینک:

<http://www.theguardian.com/world/2013/jul/31/nsa-top-secret-program-online-data>

35- رجوع شود به لینک:

<http://www.theguardian.com/uk-news/2013/aug/01/nsa-paid-gchq-spying-edward-snowden>

36- رجوع شود به لینک:

<http://www.spiegel.de/wirtschaft/soziales/aegypten-militaer-als-wirtschaftsmacht-a-909393.html>

و ترجمه ی آن در [رادیو زمانه](#)

37- در مقاله های "[کودتا علیه اسلام گرایان مصر: برای دموکراسی یا تثبیت منافع](#)" و "[سیاست: حقیقت و منافع، نگاه آمریکا و برخی مخالفان ایرانی به کودتای مصر](#)"، در خصوص نقش ارتش در سیاست و اقتصاد مصر و کودتای اخیر از زوایای دیگری سخن گفته ایم.

38- رجوع شود به لینک:

<http://www.nytimes.com/2013/07/11/world/middleeast/improvements-in-egypt-suggest-a-campaign-that-undermined-morsi.html?pagewanted=all&r=0>

39- رجوع شود به لینک:

<http://www.aljazeera.com/indepth/features/2013/07/2013710113522489801.html>

40- رجوع شود به لینک:

http://www.washingtonpost.com/opinions/an-interview-with-mohamed-elbaradei-who-hopes-for-reconciliation-in-egypt/2013/08/02/e409eac0-fab4-11e2-8752-b41d7ed1f685_story.html

41- رجوع شود به لینک:

<http://www.montrealgazette.com/life/royals/Hard+beat+pomp+ceremony+royal+family/8680171/story.html>

42- رجوع شود به لینک:

<http://www.wired.com/dangerroom/2011/02/how-many-people-are-in-tahrir-square-heres-how-to-tell/>

43- رجوع شود به لینک:

<http://egyptreborn.blogspot.ca/2013/07/mathematics-and-egyptians-dont-mix-june.html?m=1>

44- رجوع شود به لینک:

<http://news.yahoo.com/special-report-mursis-downfall-174212664.html>

45- رجوع شود به لینک:

http://www.nytimes.com/2013/07/05/world/middleeast/elbaradei-seeks-to-justify-ouster-of-egypts-president.html?_r=1&

46- رجوع شود به لینک:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/08/130802_l03_egypt_kerry_army.shtml

47- رجوع شود به لینک:

<http://www.dw.de/eus-catherine-ashton-ousted-egypt-president-mohammed-morsi-well/a-16986403>

48- رجوع شود به لینک:

<http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/middle-east-is-sinking-deeper-into-instability/483536.html>

49- رجوع شود به لینک:

http://www.radiofarda.com/content/o2_egypt_reaction_to_violence/25058868.html

50- رجوع شود به لینک: <http://onaeg.com/?p=1087700>

51- رجوع شود به لینک: <http://www.alnaharegypt.com/t127410>

52- رجوع شود به لینک:

<http://iipdigital.usembassy.gov/st/english/texttrans/2013/07/20130727279601.html?CP.rss=true#axzz2aHzOwsl5>

53- رجوع شود به لینک:

<http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21582319-territorial-divisions-are-deepening-regardless-regime-and-rebel-advances>

54- رجوع شود به لینک:

<http://www.nytimes.com/2013/04/28/world/middleeast/islamist-rebels-gains-in-syria-create-dilemma-for-us.html?pagewanted=all&r=3&>

55- رجوع شود به لینک:

http://www.washingtonpost.com/world/middle_east/qatar-is-focus-as-us-weighs-concerns-about-arming-syrian-extremists/2013/04/22/Od3abdca-ab87-11e2-a8b9-2a63d75b5459_story.html

56- رجوع شود به لینک: <http://yaleglobal.yale.edu/content/containing-fire-syria>

57- رجوع شود به لینک:

<http://www.todayszaman.com/news-321924-egypt-after-morsiby-joschka-fischer-.html>

58- رجوع شود به لینک:

http://www.democracynow.org/2013/1/29/the_gatekeepers_in_new_film_ex

59- رجوع شود به لینک:

<http://www.newsmax.com/Newsfront/bolton-netanyahu-release-prisoners/2013/07/29/id/517641>

همچنین بنگرید به سخنان جان بولتن در کمیته روابط خارجی کنگره که همچنان بر حمله ی به سوریه، اپوزیسیون سازی برای ایران و تغییر رژیم در ایران سخن می گوید:

<http://foreignaffairs.house.gov/hearing/subcommittee-hearing-iran-syria-nexus-and-its-implications-region>

60- رجوع شود به لینک:

http://www.nbcnews.com/id/52554127/ns/world_news-mideast_n_africa/t/pan-kurdish-congress-planned-unify-ranks-amid-regional-turmoil/#.UfvQ49I3sha

61- رجوع شود به لینک: <http://www.chicagotribune.com/topic/>

62- رجوع شود به لینک:

<http://www.kurdtoday.ir/%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84/5160-%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D9%86%DB%8C-%DA%86%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%A8%D9%84%D9%88%DB%8C%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AA%D8%A7%D9%82-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%86%25D>

63- رجوع شود به لینک: <http://www.sup.org/book.cgi?id=15925>

64- رجوع شود به لینک: http://en.wikipedia.org/wiki/Robert_Cooper_%28strategist%29

65- رجوع شود به لینک: <http://williamblum.org/aer/read/119>

66- رجوع شود به لینک:

http://www.huffingtonpost.com/2013/07/26/afghan-war-poll_n_3657879.html

67- رجوع شود به لینک:

<http://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/170518#.Ufvm2NI3shY>